

نقش ایمان و دولت در تضمین صلح از دیدگاه قرآن

یوسف خانمحمدی / استادیار دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام / khanmohammadi1@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

(DOI): 10.22034/shistu.2021.528245.2029

چکیده

ایجاد جامعه امن و تضمین صلح پایدار از نیازهای اساسی و حقوق اولیه انسان در تاریخ زندگی او بوده است. مکاتب مهم فلسفی، اجتماعی و مذهبی راهبردهای متفاوتی برای رسیدن به صلح پایدار مطرح کرده‌اند، اما نقش دین با شکل‌گیری جریان‌های بنیادگرا و رادیکال اسلامی در جهان اسلام، برجسته است. پژوهش حاضر برخلاف تفسیرهای ستیزه‌گر و خشونت‌طلب از قرآن، فرضیه رقیبی را طرح کرده و مدعی است: علاوه بر اصالت صلح در قرآن، آموزه‌هایی در آن وجود دارد که می‌توان بر اساس آنها و تجربه زیست بشری و عرف عقلا، راهبرد تضمین صلح پایدار را ارائه کرد. برای تصویر این موضوع از نظریه «صلح و خشونت ساختاری» یوهان گالتونگ نیز بهره برده شده است. وی با طرح خشونت ساختاری و غیر ساختاری معتقد است: فقر، گرسنگی و تبعیض با لانه کردن در ساختارهای سیاسی - اجتماعی موجب نابودی صلح و امنیت جامعه می‌شود. علاوه بر آن، خشونت مستقیم، از جمله شورش، تجاوز و جنگ نیز منجر به فروپاشی صلح و بی‌ثباتی در جامعه و جهان می‌گردد. در پژوهش حاضر چهار عنصر مهم، از جمله ایمان (توحید سیاسی)، دولت، عدالت، و آموزش و تبلیغ همگانی صلح با ساختارهای خشونت غیرمستقیم و خشونت مستقیم مواجه شده و با خنثاسازی آنها و تبدیل به صلح پایدار، زمینه برای توانمندسازی، خودشکوفایی و توسعه انسانی فراهم گردیده است. این پژوهش از روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن استفاده کرده است.

کلیدواژه‌ها: صلح، آموزش، عدالت، ایمان، دولت، خشونت.

مقدمه

سازوکارهای تضمین صلح از جمله مسائل مهم و کاربردی در حوزه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و صلح‌پژوهی است. این مقاله کوشیده است برخی از مؤلفه‌های تضمین صلح را از نگاه قرآن مطرح و بررسی کند. چگونگی ارائه نظریه «تضمین صلح بر اساس آموزه‌های قرآن» در قالب ادبیات و گفتمان‌های جدید صلح‌پژوهی از نوآوری‌های پژوهش حاضر است که در سیاست‌گذاری‌های خارجی کشورهای اسلامی، از جمله ایران ضرورت دارد. متأسفانه امروزه عرصه عمل سیاسی جهان اسلام با خلأ فقر نظری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی کارآمد مواجه است. هدف مقاله حاضر برداشتن قدم کوچکی در این عرصه است.

در تعریف مفهوم «صلح»، همانند سایر مفاهیم علوم انسانی، اجماع نظر و تعریف جامع و مانعی وجود ندارد. در حوزه علوم سیاسی، هر نظریه‌ای بر اساس مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه خود، «صلح» را توضیح می‌دهد. واقع‌گرایان صلح را با ضد آن، یعنی جنگ تعریف می‌کنند و نبود جنگ را «صلح» می‌خوانند، ولی این معنای ساده‌ای از صلح است. در نظریه لیبرالیسم آرمان‌گرا، صلح با دموکراسی و گفت‌وگو پیوند پیدا می‌کند و از آن به «صلح دموکراتیک» تعبیر می‌شود. این نوع نگاه به صلح را ایمانوئل کانت با تعبیر «صلح پایدار» در ادبیات صلح‌پژوهی ماندگار کرد.

کانت معتقد بود: رسیدن به صلح پایدار مستلزم تغییر در «خودآگاهی افراد»، «قانون‌گرایی»، «جمهوری‌گرایی» و «قرارداد فدرالی» بین دولت‌هاست. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۹۸) از نظر کانت، صلح یعنی: «پایانی بر تمام خصومت‌ها». (فیالا، ۱۳۹۵، ص ۲۲) صلح در این دیدگاه، معنایی گسترده پیدا می‌کند:

صلح فقط نبود جنگ نیست، بلکه یک روند مثبت و پویا و مشارکتی است که گفت‌وگو را تشویق می‌کند و راه حل درگیری‌ها را از روش مسالمت‌آمیز

با تفاهم و همکاری متقابل امکان‌پذیر می‌سازد. (پوراحمدی و مرادی، ۱۳۹۷، ص ۴۳) اعلامیه یونسکو نیز درباره شاخصه «صلح واقعی» تأکید می‌کند: صلح باید عادلانه و سازنده باشد و شکل‌گیری یک نظام بین‌الملل بر اساس منافع مشترک و با احترام به حقوق بشر، صلح واقعی و مطلوب محسوب می‌شود. (همان)

در منطق قرآن نیز ماده «صلح» و مفاهیم مرتبط (س ل م) بیش از دوپست بار به کار رفته است. (صفوی، ۱۳۹۶، ص ۸۸۱) کلمه عربی «سلام» به معنای «صلح»، از ریشه «اسلام» (تسلیم مسالمت‌آمیز در برابر خدا) است و مسلم (کسی که مسالمت‌جویانه تسلیم است) از آن مشتق گردیده است. «سلم» ریشه اسلام است و به هدف آن، به عنوان صلح درونی و بیرونی، دنیوی و آخروی، وجودی و فلسفی اشاره دارد. «السلام» با اشاره به خدا به عنوان سرچشمه صلح، یکی از ۹۹ نام نیکوی خداوند است که در قرآن آمده. در قرآن «سلام» نه فقط به معنای نبود جنگ، بلکه به معنای قلع ریشه‌های نزاع، خشونت و فساد نیز هست. «سلام» صلح هدف واقعی خدا از خلقت است. (لیمن، ۱۳۹۱، ص ۳۱۹) بنابراین، «صلح» در نگاه قرآن بیشتر توسعه‌ای است و بر «صلح مثبت» تأکید دارد.

به صورت کلی، درباره معنای «صلح» در بین صلح‌پژوهان دوگانه‌ای شکل گرفته است: «صلح منفی» (Negative peace) یعنی: فقدان جنگ و خشونت، و «صلح مثبت» (positive peace)، که معنای وسیع و توسعه‌یافته‌ای دارد، علاوه بر نبود جنگ و خشونت، بر توانمندسازی انسانها و جوامع و همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر تأکید می‌کند. انسان‌ها در سایه‌سار صلح، فرصت استفاده بهینه از منابع و امکانات جامعه خود و سایر جوامع را پیدا می‌کنند و این امر موجب توسعه انسانی و خودشکوفایی و نتیجه آن توسعه ملی و بین‌المللی است.

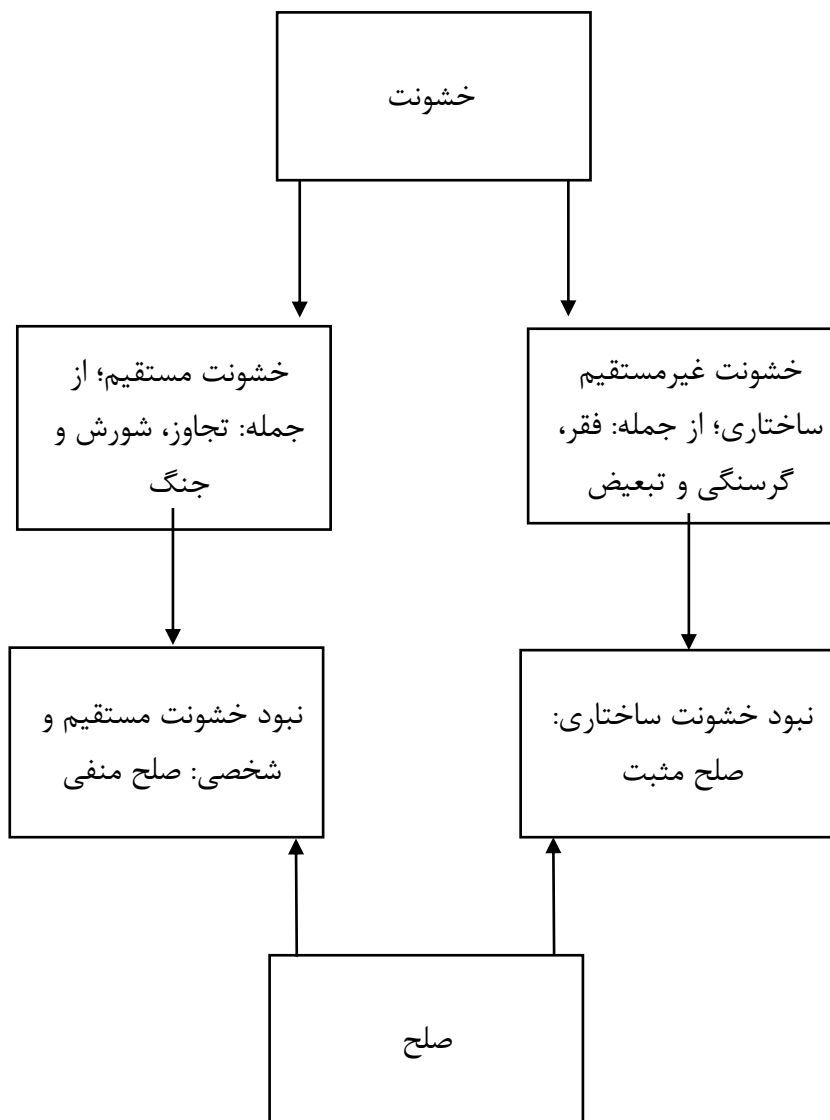
این مقاله برای تصویر نظریه‌ای درباره نقش آموزه‌های قرآن در تضمین صلح، از الگوی تحلیلی یوهان گالتونگ استفاده کرده است. تناسب این الگو با پژوهش حاضر در این است که ایشان در تبیین و توضیح صلح به نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توجه ویژه می‌کند و با طرح نظریه «خشونت ساختاری غیرمستقیم و مستقیم» عامل مهم بی‌ثباتی و تنش و فقدان صلح را در ساختارهای نامتناسب جامعه‌ها و نظام بین‌الملل جست‌وجو می‌کند. (گریفیتس، ۱۳۸۸، ص ۸۰۸)

وی در تشریح نظریه خود به چهار نوع خشونت در عرصه سیاست جهانی اشاره می‌کند:

۱. «خشونت قدیمی» مطرح در نوشته‌های مرسوم که اشاره دارد به ایجاد عمدی درد؛ از جمله: در جنگ، شکنجه یا مجازات‌های غیرانسانی و اهانت بار.
۲. «بینوایی» به معنای محرومیت از نیازهای مادی اساسی در زمینه سرپناه، پوشاک، خوراک و آب؛
۳. «سرکوب» که به از دست دادن آزادی‌های انسانی برای انتخاب عقاید و اظهار علنی آنها اشاره دارد.
۴. «بیگانگی» به مثابه نوعی خشونت ساختاری بر ضد هویت انسان و نیازهای غیر مادی.

وی برای همبستگی و رابطه با دیگران این مفاهیم را ذکر می‌کند. (همان)

از خشونت‌های چهارگانه، «بینوایی»، «بیگانگی» و «سرکوب» در قالب خشونت غیرمستقیم ساختاری عمل می‌کنند. البته «خشونت قدیمی» نیز به نوعی، مشروعیت و مجوز خود را از ساختارهای ملی و بین‌المللی کسب می‌کند و هدف نهایی گالتونگ شناسایی ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌ثباتی و خشونت در جامعه و ریشه‌کنی آنها و رسیدن به جامعه مطلوب بی‌تنش و صلح‌مدار می‌باشد. برخی نویسندگان در توضیح نظریه گالتونگ، الگوی ذیل را ترسیم کرده‌اند:



تصور (۱): انواع خشونت‌ها با توجه به نظریه گالتونگ (در جاتی و میکوشش، ۱۳۹۴، ص ۲۱۱)

با الهام از نظریه گالتونگ و تدبیر در قرآن متوجه می‌شویم که قرآن کریم با طرح سبک جدید زندگی در جامعه خشونت زده شبه جزیره عربستان، الگوی متفاوتی برای

زندگی ارائه می‌کند که با بازسازی و ایجاد ساختارهای عادلانه به انسان فرصت می‌دهد تا در آن ساختار جدید مطابق فطرت و حقوق اولیه انسان‌ها، زیر سایه توحید به آرامش درونی «امنیت ذهنی» و آرامش بیرونی و محافظت از خطر «امنیت عینی» دست یابد و صلح مهم‌ترین دستاورد اسلام به جامعه خشونت‌زده عرب بود.

بنابراین، پرسش اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین آموزه‌های قرآن برای تضمین صلح چیست؟ در پاسخ به این پرسش، مدعای مقاله این است که مهم‌ترین آموزه‌های صلح‌ساز و تضمین‌کننده صلح در جامعه از دیدگاه قرآن عبارتند از: ایمان با تأکید بر «توحید سیاسی»، دولت مشورت‌گرا، عدالت و آموزش همگانی صلح. با استناد به اینها و با استفاده از تجربه زیست بشری و مدنظر قرار دادن بحران‌های موجود در جامعه انسانی و با توجه به عرف عقلا، می‌توان نظریه موقت تضمین صلح در جامعه با نظریه معارف قرآن را ارائه داد. مقاله حاضر به این ایده نو نظر کرده است.

در مقاله حاضر از روش «تفسیر موضوعی» و «روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن» (خان‌محمدی، ۱۳۹۶) به صورت ترکیبی استفاده شده است. نویسنده در تکمیل روش تفسیر موضوعی شهید سیدمحمدباقر صدر (صدر، ۱۳۹۶) مؤلفه‌هایی به روش مزبور اضافه کرده و این روش را ارتقا بخشیده است. از جمله مؤلفه‌های این روش عبات است از: توجه به علم تاریخ و تاریخ صدر اسلام، تدبیر در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نزول قرآن، ایجاد ارتباط بین تاریخ معاصر و نیازهای امروزی جامعه با تاریخ صدر اسلام و بازناندیشی و بازفهم آموزه‌های قرآن در چنین فرایندی، توجه به اهداف و مقاصد قرآن، عقل‌گرایی و مطالعه انتقادی میراث اسلامی و مدرنیته.

فضل‌الرحمان، قرآن‌پژوه پاکستانی - آمریکایی، نیز برای فهم جدید از قرآن، روش نوی پیشنهاد کرده و آن را روش «دو حرکتی» می‌نامد (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷، ص ۱۳) و معتقد است: فرایند تفسیر در اینجا شامل دو حرکت است: حرکت از وضع موجود و زمان حاضر به زمان نزول قرآن و سپس بازگشت به زمان حاضر. برخی از قرآن‌پژوهان از این روش به رویکرد «هرمنوتیک مضاعف» تعبیر می‌کنند. (خان‌محمدی، ۱۳۹۹، ص ۴۴)

عبدالله سعید در تلاش برای طراحی و تدارک یک روش کارآمد برای فهم قرآن، در دنیای جدید، به گونه‌شناسی سه‌گانه «Textualist / متن‌گرا»، «semi-textualist / نیمه متن‌گرا» و «contextualist / زمینه‌گرا» روی آورده است. (Saeed, 2006, P.3) وی معتقد است: مفسران «متن‌گرا» فقط به فقه و زبان قرآن توجه دارند و بدون ملاحظه شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر نزول قرآن و نیازهای امروزی قرآن را تفسیر می‌کنند. مفسران «نیمه متن‌گرا» در دنیای مدرن به توجیه محتوای غیرمطابق با نیازهای امروزی می‌پردازند. تفاوت عمده‌ای بین دو جریان «متن‌گرا» و «نیمه متن‌گرا» نیست. اما مفسران «زمینه‌گرا» هم به شرایط اجتماعی عصر نزول قرآن توجه دارند و هم در عصر حاضر بر اساس شرایط اجتماعی امروز و بر مبنای نیازهای جامعه به تفسیر سیاسی و اجتماعی از قرآن می‌پردازند. روش «زمینه‌گرا» به روش مقاله حاضر نزدیک‌تر است. اما روش‌شناسی سیاسی قرآن جامع‌تر بوده و علاوه بر توجه به شرایط اجتماعی عصر نزول و مقتضیات عصر حاضر، بر اهداف و مقاصد قرآن نیز تأکید می‌کند و به میراث اسلامی و تمدن جدید غرب رویکرد انتقادی دارد.

۱. دولت و تضمین صلح

در نظریه‌های مدرن، مهم‌ترین عامل حفظ صلح دولت است. در این نگاه، «صلح» را به معنای منفی به کار می‌برند. جریان اصلی روابط بین‌الملل صلح را در مقابل جنگ تعریف می‌کنند. در این نظریه‌ها، «صلح» را «نبود جنگ» تعریف می‌کنند و دولت‌ها را کارگزار اصلی ایجاد صلح می‌دانند. این رویکرد به صلح به «نظریه‌های مدرن صلح» نیز مشهور است. (موسوی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷) اما در منطق و آموزه‌های قرآن، صلح در معنای وسیع‌تر از نبود جنگ و خشونت مطرح شده است. به عبارت دیگر، دولت فقط یکی از آن مؤلفه‌های تضمین صلح محسوب می‌گردد.

قرآن در قالب داستان به برخی از فعالیت‌ها و تلاش‌های پادشاهان در ایجاد صلح و جلوگیری از جنگ اشاره دارد؛ از جمله: داستان ملکه سبا و حضرت سلیمان عليه السلام که از

مصادیق آشکار انتخاب صلح و جلوگیری از جنگ از سوی حکومت سبأ به شمار می‌رود. زمانی که نامه حضرت سلیمان و درخواست او برای تسلیم شدن در برابر دین توحیدی به دست ملکه سبأ رسید. (نمل: ۲۸-۳۱) ملکه سبأ برای پاسخ به نامه او با دولت مردان و مشاوران جامعه خویش مشورت کرد. (نمل: ۳۲) دولت مردان و مشاوران ملکه آمادگی خود را برای جنگ و مقابله با حضرت سلیمان اعلام کردند و گفتند: «ما بسیار نیرومند و دلاوریم، و (اما) فرمان (تنها از) سوی توست. پس بنگر چه فرمانی می‌دهی؟» (نمل: ۳۳) یعنی تصمیم نهایی درباره انتخاب راهبرد جنگ یا صلح با ملکه (بلقیس) است. او پس از تأمل در نتایج ویرانگر جنگ و ذکر تحقیر افراد و نخبگان جامعه در صورت شکست از دشمن خارجی تصمیم به صلح گرفت و گفت: «وقتی پادشاهان به جامعه‌ای وارد می‌شوند آن را تباه و بی‌مقدار و عزیزانش را خوار می‌گردانند، و اینچنین می‌کنند.» (نمل: ۳۴)

ملکه برای جلوگیری از جنگ، تصمیم به فرستادن هدیه‌ای به سوی حضرت سلیمان گرفت. حضرت سلیمان با مشاهده هدیه‌های ملکه سبأ، (نمل: ۳۶) آنها را رد و ایشان را به حمله نظامی تهدید کرد و به فرستاده ملکه سبأ گفت: «به سویشان بازگرد که ما با سپاهیان به سویشان روانه می‌شویم که در برابر آنان تاب ایستادگی نداشته باشند، و با حقارت از آن (دیار) بیرونشان می‌کنیم.» (نمل: ۳۷)

پس از تهدید نظامی حضرت سلیمان، ملکه سبأ برای مذاکره و گفت‌وگو عازم مملکت حضرت سلیمان شد و به او ایمان آورد و راهبرد صلح را انتخاب کرد. او گفت‌وگو و مذاکره را جایگزین جنگ ساخت و گفت: «من به خود ستم کردم و با (همراهی) سلیمان در برابر پروردگار جهانیان تسلیم گردیدم.» (نمل: ۴۴)

در قرآن همچنین از جمله داستان‌هایی که لزوم حکومت را برای سامان‌دهی جنگ و صلح مطرح می‌کند، داستان انتخاب حضرت طالوت به پادشاهی و فرمان‌دهی نظامی است. قرآن از دو شاخصه برای انتخاب طالوت یاد می‌کند. «توان جسمی» و «آگاهی». «به درستی خداوند او را بر شما برگزیده و او را (هم) در دانش و (هم) در جسم گشایش داده است و خدا فرماندهی‌اش را به هر کس بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگری داناست.» (بقره: ۲۴۷)

قرآن برای مدیریت جامعه «علم» و «توان جسمی» را پیش‌نیاز حاکم قرآنی معرفی می‌کند. مشکل جوامع و دولت‌های گوناگون در طول تاریخ این بوده که بدون دانش اداره می‌شده است. در بیشتر جوامع وقتی بحران‌ها ریشه‌یابی و تحلیل می‌شود، مهم‌ترین علت بحران‌ها فقدان آگاهی و یا آگاهی کاذب است و به عکس، بیشتر جوامعی که چه در قرآن و چه در مسیر تاریخ زندگی انسان، جامعه‌های الگو یا - به تعبیر امروزی - «توسعه‌یافته» معرفی می‌شوند، به سبب اداره جامعه بر اساس علم، تجربه، پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت همگانی بوده است. هدف انبیای الهی آگاه کردن مردم بوده است. بین آگاهی و آبادی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. به همین دلیل، خداوند ویژگی بارز طالبوت برای مدیریت و تأمین امنیت جامعه بنی‌اسرائیل را «بسطة فی العلم» ذکر کرد.

مدیر جامعه با نیروی علمی و درک صحیح در همه امور و مشورت با متخصصان می‌اندیشد و بررسی می‌نماید و مصالح و نیازها و راه‌ها را تشخیص می‌دهد و مردم را اداره می‌کند و با توانمندی آنچه را تصمیم می‌گیرد اجرا می‌نماید. این دو ویژگی توضیح برگزیدن (اصطفاء) خداست. ویژگی «اصطفاء» (برگزیدن) به شایستگی ذاتی و برتری استعداد طالبوت نظر دارد. دو ویژگی «آگاهی» و «توان جسمی» نیروی فعلی را به تصویر می‌کشد و همین مسیر مشیت حکیمانه خداوند در واگذاری ملک و حکومت است. (طالقانی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۱)

معیارها و شاخصه‌های قرآن برای حاکم جامعه در مقابل ادعای اشراف و ثروتمندان بنی‌اسرائیل است که ثروت را ملاک و معیار رهبری و مدیریت جامعه می‌دانستند، و با انتخاب طالبوت به علت نداشتن ثروت و مال دنیا، اعتراض می‌کردند و می‌گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، در حالی که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! (بقره: ۲۴۷)

خداوند با رد استدلال مزبور، توان علمی و جسمی را، جزو توانایی‌های ذاتی و اکتسابی برمی‌شمارد، در حالی که ثروت ممکن است به صورت ارث به کسی رسیده باشد یا

از راه نامشروع به دست آمده باشد؛ همچنان که امروزه هم شاهدیم بیشتر ثروت‌ها از راه فعالیت‌های ناسالم اقتصادی در دست افراد معدودی و طبقه‌ای خاص قرار گرفته و ورود پول‌های کثیف در انتخابات و انتصاب‌ها، فاجعه‌مدیریتی را در جوامع گوناگون موجب شده است. قرآن با ظرفیت خاصی، دخالت ثروت در انتخاب مدیران را رد می‌کند و زمینه را برای حضور افراد دانشمند و سالم در عرصه‌مدیریتی فراهم می‌سازد. قرار گرفتن انسان‌های توانمند در مدیریت جوامع مانع جنگ و خشونت می‌شود و صلح و آرامش را در عرصه بین‌المللی حاکم می‌گردد.

«علم»، «حفیظ»، «امین» و «مکین» شرط‌های انتخاب حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام به وزارت و کارگزاری اقتصادی مصر در زبان قرآن است. «و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا وی را برای خود برگزینیم. پس چون (شاه) با او گفت‌وگو کرد، گفت: تو امروز - به راستی - نزد ما دارای منزلت و امانت هستی.» (یوسف: ۵۴) (یوسف) «گفت: مرا به خزانه‌داری (این) سرزمین بگمار. بی‌گمان، من نگهبانی دانا هستیم.» (یوسف: ۵۵)

بر اساس چهار شاخصه‌ای که در انتخاب حضرت یوسف مطرح شده است می‌توان راهبردهای جامعی برای سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه طراحی کرد. در آیات مزبور، پادشاه مصر برای مواجهه با بحران‌های پیش روی جامعه مصر به دنبال مدیران لایق و کاردان می‌گشت؛ یعنی حل مشکلات و معضلات جامعه برای حاکم «مسئله» اصلی بود. زمانی که جامعه و اداره آن برای حاکمیت اصالت پیدا کرد انسان‌های کاردان، دانشمند، حافظ منافع ملی و متخصص فرصت حضور در مناصب و پست‌های مهم را پیدا می‌کنند که نتیجه آن هم پیشرفت امور جامعه و در نهایت، شکل گرفتن امنیت اجتماعی است. اما اگر اصالت برای حاکمیت حفظ قدرت و موقعیت جریان حاکم باشد فرصت‌طلبان و متملقان و منافقان در سطوح عالی مدیریتی قرار می‌گیرند که نتیجه‌اش انحطاط و فروپاشی جامعه است.

نکته دیگری که از داستان مزبور می‌توان دریافت این است که باید، بین مجموعه حاکمیت انسجام و همفکری باشد. پادشاه خطاب به یوسف وزیر گفت: «تو امروز نزد ما دارای منزلت و امان هستی.» (یوسف: ۵۴) این فراز نشان‌دهنده موقعیت حضرت یوسف نزد پادشاه مصر است. وقتی یوسف بستر و زمینه فعالیت و مدیریت را فراهم دید، مهم‌ترین مسئولیت، یعنی تدبیر اداره مالی و اقتصادی مصر را از پادشاه درخواست کرد: «اجعلنی علی خزائن الارض ائی حفظ علیم.» (یوسف: ۵۵) نتیجه انتخاب یوسف به عنوان مسئول اقتصادی و اداره جامعه بر اساس علم و تدبیر، عبور جامعه مصر و حتی جوامع همسایه از بحران خشک‌سالی متوالی و قحطی بود که منجر به رضایت عمومی مردم از حکومت و تعامل سازنده بین دولت و جامعه گردید.

در این ماجرا، قحطی و خشک‌سالی مطرح شده که بخشی از مسئله مدیریت سیاسی جامعه است، اما به طریق اولی، «صلح و جنگ» مهم‌تر از خشک‌سالی است. بنابراین، در منطق قرآن دولت نقش مهمی در هدایت بحران‌ها دارد. شاخصه اساسی حل بحران‌ها، مدیریت علمی و انتخاب افراد متخصص، عالم و امین است.

«صلح» شعاری است که همه خواهان آنند، اما وظیفه متفکر سیاسی این است که تکنیک‌هایی به کار گیرد که شعار صلح را به واقعیت تبدیل کند. «تکنیک» یعنی ابزار و روشی که اهداف و ارزش‌های ذهنی را عملیاتی می‌کند. فرق علم سیاست با فلسفه، ادبیات و دیگر علوم در این است که علم سیاست تکنیک‌هایی دارد که در خود، شیوه‌ها و ضمانت اجرایی برای تخلف اندیشیده‌اند. اگر «سیاست» به معنای سامان‌دهی قدرت دارای تکنیک نباشد به عرصه شعر، اخلاق و اسطوره نیز کشیده می‌شود. (اسلامی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴)

درباره تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حکومت نیز پس از انتخاب افراد عالم و نیرومند، قرآن سازوکار «شوری» (شوری: ۳۸ / آل عمران: ۱۵۹ / بقره: ۲۳۳) و «بیعت» (فتح: ۱۰، ۱۸ / ممتحنه: ۱۲) را طراحی کرده است. با این سازوکار دخالت افراد ذی‌صلاح

در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه فراهم می‌گردد. قرآن برای تضمین صلح، ساختار سیاسی استبدادی را نفی می‌کند و با رویکرد شایسته‌سالاری و با الگو معرفی کردن طالوت و حضرت یوسف ساختار جدیدی را شکل می‌دهد که در آن انسان‌های توانمند در مدیریت کلان جامعه قرار می‌گیرند و با مدیریت صحیح، صلح و ثبات سیاسی در جامعه برقرار می‌شود.

۲. ایمان و تضمین صلح

ایمان به خداوند و متافیزیک برای انسان مؤمن تکیه‌گاهی محکم ایجاد می‌کند تا در زندگی پر آشوب فردی و اجتماعی، آرامش و ثبات فکری و عملی خویش را حفظ نماید. در عرصه رقابت‌های مادی، تنش‌ها و منازعه‌ها جزو لاینفک طبیعت زندگی است. یکی از راه‌های رهایی از این منازعه ایمان به قدرت لایزال الهی و واگذاری نتایج کارها به خداوند است. خداوند در قرآن یکی از نتایج پی‌روی از پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برداشته شدن غل و زنجیرها از دوش و گردن مؤمنان می‌داند: «يُضِعُّ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷) از جمله این غل و زنجیرها در شبه جزیره عربستان آداب و رسوم غلط و جنگ‌های دایم و فرسایشی قبایل با یکدیگر بود. با قبول اسلام توسط مردم، صلح و آرامش در شبه جزیره عربستان حاکم شد و بنیاد تمدن نوین اسلامی در پرتو ایمان به خداوند پایه‌ریزی گردید و نگرانی و تهدیدهای دایمی از زندگی مردم برطرف شد. قرآن کریم با شفافیت تمام بر رابطه مستقیم ایمان و امنیت - (صلح) تأکید کرده است: «آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند ایمنی تنها از آن ایشان است و آنها هدایت یافته‌اند» (انعام: ۸۲) از نظر قرآن ظلم، که معمولاً در ساختارهای جامعه لانه می‌کند، نابودکننده امنیت است. از این رو تأمین صلح و امنیت مستلزم مبارزه با انواع و اقسام ظلم است. (لک زایی، ۱۳۹۸،

«ایمان» مصدر باب افعال از ریشه «أ م ن» و اسم فاعل آن «مؤمن»، که در آیه ۲۳ حشر آمده، وصف خدا و به معنای «ایمن گرداننده یا امنیت‌بخش» است. (قریش: ۳ و ۴) این کلمه معمولاً به «شخص دارای باور» ترجمه شده است. به نظر مستنصر میر (Iman) ریشه «أ م ن»، به ویژه در باب افعال، قطعاً بر امنیت دلالت دارد؛ زیرا کسی که ایمان می‌آورد از باطل و ضلالت در این دنیا و از مجازات و عقاب آخرت ایمن می‌شود. (مک اولیف، ۱۳۹۲، ص ۴۵۹) ایمان در معنای تصدیق، امنیت و آرامش و نیز رفع خوف و وحشت استعمال شده است. (مصطفوی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳)

در نگاه قرآن، برترین فضیلت اخلاقی ایمان است؛ یعنی: حق‌پذیری. از دیدگاه قرآن، ایمان به خدا منشأ تحول درونی شگرف و معنویت‌گرا به هستی است. مؤمن در پرتو روی آوردن به خدا، خود را در دامن پرمهر معبودی می‌یابد که سزاوار اعتماد و محبت است و از این رو، در پرتو آن آرامش سراسر وجود او را فرامی‌گیرد. (صفوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۵۱)

«آمن»، هم به معنای امنیت بخشیدن است و هم به کسی یا چیزی اعتماد کردن، و همین معنای اخیر است که «ایمان داشتن» تلقی می‌شود. بنابراین، «مؤمن» مرد یا زنی است که محتوای وحی اصلی خداوند را می‌فهمد و می‌پذیرد و به وسیله آن به مقام امنیت و اعتماد به خداوند وارد می‌شود. (مک اولیف، ۱۳۹۲، ص ۴۴۹) «مؤمنان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.» (انفال: ۹)

در منطق قرآن بین نظر و عمل ارتباط تنگاتنگی برقرار است. در بیشتر جاهایی که ایمان و فرد دارای ایمان (مؤمن) مطرح شده «عمل صالح» نیز پشت‌بند آن گردیده است. عمل براساس اعتقاد، نشانه صداقت مؤمن است؛ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر: ۳) خداوند برای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته (ایمان) کرده‌اند، پوشش و پاداشی بزرگ وعده داده است (مائده: ۹، ۹۳ / ابراهیم: ۲۳ / بقره: ۲۵، ۸۲، ۲۷۷ / آل عمران: ۵۷ /

نساء: ۵۷، ۱۷۳ / اعراف: ۱۵۳، ۴۲ / یونس: ۹ / هود: ۱۱، ۲۳، ۹۳، ۱۲۱ / رعد: ۲۹ / کهف: ۴۹، ۱۰۷ / مریم: ۹۶ / سجده: ۱۴، ۲۳، ۵۰، ۵۶ / مؤمنون: ۵۱ / نور: ۵۵ / شعرا: ۲۲۷ / عنکبوت: ۹ / روم: ۴۵ / لقمان: ۸ / سجده: ۱۹ / سبا: ۱۱ / فاطر: ۷ / ص: ۲۴، ۲۸ / غافر: ۵۸ / فصلت: ۸ / شوری: ۲۶، ۲۳ / جاثیه: ۳۰ / محمد: ۱۲ / فتح: ۲۹ / طلاق: ۱۱ / انشقاق: ۲۵ / بروج: ۱۱ / تین: ۶ / بیّنه: ۷). «عمل صالح» عبارت است از: کاری که از روی قصد و علم و همراه با مشقت انجام شده و از آثار نیک مترتب بر آن چیزی کاسته نشده باشد. (مولودی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۴) به عبارت دیگر، «عمل صالح» یک مفهوم کلی و مطلق است و شامل همه اعمال نیک می‌شود.

ایمان زمینه‌ساز عمل صالح می‌شود. از زیبایی‌های ترکیب «عمل صالح» و «ایمان» این است که عمل صالح معمولاً در قرآن بدون قید و مطلق بیان شده، هر چند گاهی مصداق‌هایی برای آن ذکر شده است؛ از جمله: نماز، روزه، امر به معروف. کاربرد عمل صالح به صورت کلی نشانگر آن است که در هر زمان و مناسبت خاص، یک عمل صالح به شمار می‌آید؛ از جمله: اگر در جامعه جهل و خرافات گسترش یافته باشد آگاهی‌بخشی و تعلیم و تربیت عقلانی مصداق عمل صالح است. زمانی که بیکاری و معضل اقتصادی در جامعه گسترش یابد کارآفرینی و سرمایه‌گذاری اقتصادی و جذب سرمایه از خارج مصداق عمل صالح است. در جامعه‌ای که افراط و تفریط حاکم است دعوت به میانه‌روی عمل صالح است. وقتی در جامعه ظلم و بهره‌کشی از قشر آسیب‌پذیر عمومیت یابد، اعتراض به ظلم و آگاه کردن مردم به حقوق‌شان از مصادیق عمل صالح است. در جامعه‌ای که با منازعه و شکاف بین حاکمیت و مردم و به تعبیر دیگر، با تضاد دولت و ملت مواجه است طرح آشتی ملی مصداق نمایش ارتباط ایمان و عمل صالح است. در عصر حاضر، که رادیکالیسم در سطح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش و شیوع یافته، حاکم ساختن فضای صلح‌گرایی و طرح گفت‌وگو و مذاکره از مصادیق عمل صالح قرآنی است. مؤمن همیشه به دنبال بازگرداندن جامعه و جهان به حالت طبیعی، اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

در قرآن صلح و امنیت در سایه ایمان به خدا قابل تحقق است: «هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایماناً مع ایمانهم» (فتح: ۴) او کسی است که بر دل‌های مؤمنان آرامش فرود آورد تا ایمانی با (داشتن) ایمانشان بیفزاید. انسان‌های مؤمن آرامش دارند و همینان آرامش را در جامعه منتشر می‌کنند. حزن و اندوه از انسان‌های مؤمن بدور است؛ چون همه عالم هستی را از خدا می‌دانند و با یادآوری خداوند از فیض سلام و صلح الهی بهره‌مند می‌گردند و جامعه بشری را به آرامش و تعامل عقلانی و برابر فرامی‌خوانند. (رعد: ۲۸ / انعام: ۸۲ / حشر: ۲۳ / یونس: ۶۲)

باورمندی به توحید در تضمین صلح در جامعه نقش بالایی ایفا می‌کند. توحید باید به آزادی و ارزش‌های والای انسان بینجامد. توحید در اندیشه سیاسی باید با تجاوزگری بشر برضد بشر مقابله کند. «توحید» یعنی: آزادی پیشرفت، توسعه فردی و اجتماعی، یعنی یگانگی دنیا و آخرت. توحید نه تنها با روح آزادی انسان و حقوق آن در تعارض نیست، بلکه هرگونه مقابله با حقوق انسان، مقابله با اصل توحید به شمار می‌آید. گاهی در نگاه فلسفی و کلامی، تصور می‌شود توحید مقوله‌ای فراطبیعی و ناسازگار با عالم طبیعت است، در حالی که هیچ‌گونه فاصله و ناسازگاری بین توحید و عالم طبیعت وجود ندارد. در دیدگاه حسن حنفی، دوگانه پنداشتن عالم طبیعت و ماورای طبیعت ریشه در آیین‌های دوگانه‌پرستی دارد. باور دوگانه‌پرستی به تدریج، به ذهن برخی از فیلسوفان اسلام راه یافته است. (حنفی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳) اعتقاد به یگانگی خداوند فقط مختص مسائل عبادی نیست، یگانه‌پرستی در سرنوشت این جهان و حقوق بشر حضوری جدی دارد. بی‌ارادگی، سستی فردی و اجتماعی و رفتار منفعلانه با توحید منافات دارد. صفت قدرت خداوند را نباید در تنافی با عزت انسان و حق اختیار و انتخاب او تفسیر کرد. توحید و وحی جایگاه وسیع و کارکردی مؤثر در مسائل اجتماعی، سیاسی و حقوقی دارد. نزول وحی و ظهور اسلام، همگی برای انسان بوده (همان) و برای بهبود وضعیت زندگی انسان نازل شده است. بنابراین، بین ایمان (توحید) و صلح رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و هیچ نظریه و روش و سازوکاری نمی‌تواند جایگزین نقش ایمان و عمل صالح در تضمین صلح باشد؛ زیرا:

عقیده دینی [ایمان] به مراتب از افکار فلسفی و روش‌های اجتماعی و نظریه‌های اقتصادی در روح بشریت عمیق‌تر و ریشه‌دارتر است؛ برای اینکه آن یک نوع گرسنگی فطری و طبیعی می‌باشد. (سیدقطب، ۱۳۵۵، ص ۳۱)

بنابراین، مؤمن بر اساس نیازهای جامعه انسانی به وظایف خود عمل می‌کند. عمل به وظیفه مهم‌ترین مصداق و عینیت‌یافته «عمل صالح» است.

۳. عدالت و تضمین صلح

عدالت از مهم‌ترین مؤلفه‌های تضمین صلح در آموزه‌های دینی و به ویژه در قرآن است. صلح از منظر قرآن، زمانی پایدار می‌ماند که بر اساس عدالت برقرار گردد. صلح ناعادلانه اصلاً صلح نیست، بلکه مقدمه منازعه و ستیز دایمی است.

«عدل» یعنی: داد، و در قرآن معنای آن با مفهوم اعتدال و اندازه درست - هم در عمل خداوند و هم در عمل انسان - مرتبط است. (لیمن، ۱۳۹۱، ص ۳۴۰) در دو آیه ذیل، توجه به دو نکته مهم است: الف. بنیان عدل در اعمال حقوقی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید و به عدالت گواهی دهید و دشمنی گروهی، شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید. عدالت پیشه کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.» (مائده: ۸) ب. توجه به ابعاد سیاسی موضوع عدل: «و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری نمایید.» (نساء: ۵۸ و ۵۹)

«عدل» مصدر یا اسم مصدر است و مشتقات آن در قرآن کریم به صورت عدَل، يعدلون، تَعْدِلُ، تعدِلُوا، اَعْدِلْ، اِعْدِلُوا ذکر شده است. راغب می‌گوید: «عَدَل» و «عدالت» لفظی است که اقتضای معنای مساوات و برابری دارد. بنابراین، «عدل» به معنای «رعایت مساوات و برابری» است، خواه در مجازات باشد یا پاداش: «اگر کسی به شما تعدی کرد همان‌گونه که به شما تعدی کرده است به او تعدی کنید» (بقره: ۱۹۴) و «کیفر هر بدی، بدی‌ای مانند آن است (نه بیشتر)» (شوری: ۴۰)

در کتاب‌های اخلاقی دو تعریف برای «عدل» شده است: ۱. «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه»؛ دادن حق هر صاحب حقی به او. ۲. «وضع کلّ شیء فی موضعه»؛ هر چیزی را در جای خود نهادن؛ یا هر کاری را به نحو شایسته انجام دادن. (صفوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۱۶-۹۱۷)

امیرمؤمنان علیه السلام در وصف «عدل» می‌فرماید: «العدلُ یضعُ الامور مواضعها»؛ عدل هر چیزی را به جای خود قرار می‌دهد. (سیدرضی، ۱۳۹۸، حکمت ۴۳۷) بنابراین، عدالت همان نهادن چیزی در جایگاه شایسته خود است، و عادل کسی است که هر چیز را در جای خویش به کار می‌بندد. (صفوی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۱۸)

عدالت مهم‌ترین عنصر برای تضمین صلح و امنیت است. خلقت و ذات انسان با عدالت شکوفا می‌شود و این‌گونه توسعه و جودی پیدا می‌کند. اگر به هر علتی محیط درونی انسان یا محیط بیرونی و اجتماعی او با فقدان عدالت مواجه شود زندگی‌اش از اعتدال خارج می‌گردد، منازعه افزایش می‌یابد و صلح و امنیت از بین می‌رود و خشونت و نزاع‌های دایمی بر جامعه حاکم می‌گردد. «صلح عادلانه» قرائت صلح از مجرای عدالت است که البته خود نه تنها محتوای الگوهای صلح، بلکه شکل و صورت‌بندی جامعه بین‌المللی معاصر را نیز با تحول اساسی مدّ نظر قرار می‌دهد. چون عدالت به مثابه آکسیری است که آرمان‌شهر بوده و صلح را پایدار و مستمر خواهد ساخت هر چه را از نظر شکلی و محتوایی باید در تحقق این الگو انجام داد باید به حساب آورد. آنچه به عنوان «بیت الغزل» و «واسطه العقد» تاریخ پرافتخار انبیا، پس از پرستش خدای یگانه مشهود است، ظلم‌ستیزی برای برقراری صلح عادلانه جهانی است. (افتخاری و محمدی سیرت، ۱۳۹۲، ص ۵۹)

با عنصر «عدالت»، کرامت انسانی برای انسان متحقق می‌گردد: «و لقد کرمنا بنی آدم» (اسراء: ۷۰) کرامت انسان با حق حیات و زندگی شرافتمندانه و با داشتن شغل، مسکن و تغذیه متناسب با شخصیت و منزلت اجتماعی افراد فراهم می‌شود. بنابراین، صلح و امنیت واقعی با عدالت برقرار می‌گردد، قرآن مؤمنان را به ایجاد صلح بین مؤمنان تأکید می‌کند، اما

ایجاد صلح با عدالت را صلح مطلوب قرآنی معرفی می‌نماید و مجازات تجاوزگران را زمینه‌ساز صلح واقعی می‌شمارد: «و هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کرد با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. هرگاه بازگشت دو زمینه صلح فراهم شد در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.» (حجرات: ۹)

رویکرد قرآنی به صلح بیرونی و عینی همانندی‌هایی با تعریف‌های صلح متعارف دارد، اما چون بر عدالت، اخلاق و حدود الهی در صلح تأکید و بر حفظ عزت و اقتدار نظر دارد، با مفهوم صلح عینی در نگاه غربی، که صرفاً در برابر جنگ تعریف می‌گردد، متفاوت است و پذیرنده هرگونه صلح و سازشی نیست. (افتخاری و محمدی سیرت، ۱۳۹۲، ص ۷۵)

صلح متعارف در قرائت‌های جدید آن است که صلح را امر طبیعی زندگی انسان تعریف می‌کند و محدود به تعریف صلح در برابر جنگ نیست. رویکرد صلح مثبت، به قرائت قرآنی از این مفهوم نزدیک‌تر است؛ زیرا قرآن کریم تسلیم در برابر خداوند متعال و گسترش صلح درونی و ایمانی را ضامن تحقق صلح در تمام ابعاد و مقابل همه علت‌های نابودکننده صلح می‌داند. اندیشه صلح مثبت در قرائت متعارف نیز تلاش دارد با گسترش صلح درونی زمینه‌های وقوع جنگ و هر عامل بر هم زننده صلح مبارزه کند. (همان) به تعبیر سید قطب، اسلام طرفدار صلحی است که به گونه‌ای تجزیه‌ناپذیر بین همه ملت‌های جوان، اعم از کوچک و بزرگ، ضعیف و قوی باید عملی شود و اساس آن بر پایه تساوی حقوق ملت‌ها استوار باشد. (سیدقطب، ۱۳۵۵، ص ۹)

بنابراین، سازوکار عدالت برای صلح و امنیت در قرآن معطوف به واقعیت‌های زندگی فردی و اجتماعی است. قرآن برای هدایت خانواده بشری به سوی صلح و آرامش و زندگی توسعه‌یافته است. آموزه‌های قرآن در عصر حاضر به صاحبان اندیشه کمک می‌کند تا در تمام حوزه‌های مهم زندگی نظریه‌پردازی کنند و برای حل بحران‌های موجود راهبرد ارائه

دهند؛ زیرا قرآن کتاب راهنمای زندگی است و برای بهبود وضعیت زندگی بشر نازل شده است. وحی مجموعه‌ای از آیات است که طی ۲۳ سال نازل شده و هر آیتی یا مجموعه‌ای از آیات راه حلی برای موضعی مشخص در زندگی روزانه فردی یا اجتماعی است. متون وحیانی کتابی نیست که به شکل مفروض به یکباره از عقل الهی نازل شده باشد تا همه انسان‌ها آن را بپذیرند، بلکه مجموعه‌ای از راه‌حل‌هاست برای برخی از مشکلات روزانه که زندگی فرد و جماعت سرشار از آنهاست. بسیاری از این راه‌حل‌ها بر حسب تجربه و توانایی انسان در پذیرش آن، تغییر و تبدیل یافته و بسیاری از راه‌حل‌ها در مرحله اول وحیانی نبوده، بلکه پیشنهادهایی از جانب فرد یا جماعتی بود و سپس وحی آن را تأیید کرده و بر مردم واجب ساخته است. این خاصیت در آخرین مراحل وحی، یعنی وحی اسلامی وجود دارد و بیش از آنکه داده‌ای وحیانی باشد، واقعیت آن را تحمیل کرده و وحی آن را تأیید نموده است. معنای «اسباب النزول» همین است. (حنفی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۴)

۴. آموزش همگانی و تضمین صلح

در جامعه جهانی امروزی، خشونت و جنگ و منازعه در حال گسترش است. از قرن بیستم تا اوایل قرن بیست و یکم، نزدیک به ۱۸۷ میلیون انسان بر اثر جنگ و خشونت جان خود را از دست داده‌اند. هر فردی که کشته می‌شود - دست کم - دو خانواده را از زندگی متعادل و متعارف محروم می‌سازد. برای حل این ابر بحران زندگی انسان امروز، صلح بهترین و مهم‌ترین سازوکار درمان است. برای تضمین و پایداری صلح نیاز به عزم ملی و بین‌المللی است. احساس نیاز جهانی به صلح جز با آگاهی، عقلانیت و آموزش بیشتر مردم جامعه‌های گوناگون فراهم نمی‌گردد. (دیپیمی، ۱۳۹۷، ص ۴۴۸) آگاهی‌های عمومی، که با آموزش گسترش می‌یابد، موجب فروپاشی ساختارهای خشونت در جامعه می‌گردد.

پاپ ژان پل دوم در واکنش به تروریسم گفت:

شاخه‌های مختلف مسیحیت و همچنین ادیان بزرگ جهان باید برای از میان برداشتن علل اجتماعی و فرهنگی تروریسم همکاری کنند. آنها می‌توانند این کار را با تعلیم و آموزش دادن عظمت و شرافت شخص انسان و با گسترش حس واضح و روشن‌تر وحدت خانواده انسان انجام دهند. این حوزه خاص گفت‌وگو و همکاری جهانی و بین ادیان و خدمت ضروری است که دین می‌تواند به صلح جهانی بکند. (همان، ص ۴۸۰)

برای تضمین صلح در هر جامعه‌ای و در سطح نظام بین‌الملل، آموزش همگانی صلح و صلح‌گرایی ضروری است و آموزش صلح یک دغدغه محوری از منظر صلح‌ایجابی به شمار می‌آید. (فیالا، ۱۳۹۵، ص ۲۵)

آموزش همگانی صلح باید در چند سطح صورت پذیرد:

- سطح نظام خانواده؛ خانواده نقشی اساسی در جامعه‌پذیری فرزندان دارد. تعامل صلح‌آمیز پدر و مادر با یکدیگر و با سایر اعضای خانواده، بستر مناسب آموزش عملی رفتار تعاملی و مسالمت‌آمیز را به فرزندان انتقال می‌دهد.

- سطح نظام آموزشی رسمی؛ آموزه صلح‌طلبی باید از آغاز نظام آموزشی، از مهد کودک تا پایان تحصیلات تکمیلی در برنامه‌های درسی گنجانده شود.

- سطح رسانه‌ها؛ در مطبوعات و فضای مجازی نویسندگان باید در تبلیغ و گسترش فرهنگ تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز و تحمل مخالف بیشترین تلاش را انجام دهند.

- سطح هنر؛ هنرمندان و صاحبان فکر و اندیشه باید به خلق آثار هنری، از جمله عکس و فیلم روی آورند و در زمینه عمق بخشیدن به صلح و صلح‌خواهی در جان و نفس مردم بکوشند. از جمله هنرمندان بسیار تأثیرگذار، شعراء، طنزپردازان و کاریکاتوریست‌ها هستند که با خلق آثار هنری خویش، فرهنگ صلح‌گرایی را گسترش می‌دهند.

- سطح ادیان و مذاهب؛ بیشتر جنگ‌ها و خشونت‌ها با استناد به ادیان بزرگ و منازعه‌های مذهبی شکل گرفته است. در قرن حاضر ظهور بنیادگرایان رادیکال اسلامی از

واضح‌ترین نمونه‌های چنین نگرشی است. برای فهم عقلانی و دموکراتیک و صلح‌گرایانه از متون مقدّس - از جمله قرآن کریم - نیازمند روش‌شناسی جدیدی هستیم تا فهم جدیدی از قرآن و متون دینی ارائه دهد. علاوه بر روش توجه به مقتضیات جامعه امروزین و استفاده از تجربه‌های انسان در طول تاریخ، رویکرد عقلانی و انتقادی برای ترسیم جامعه مطلوب ضروری است.

زمانی که گفتمان صلح‌گرایی توسط نهادهای گوناگون به گفتمان مسلط تبدیل شود، صلح و صلح‌گرایی به ارزش و هنجار جامعه تبدیل می‌گردد و عبور از آن و گرایش به خشونت هزینه‌بر خواهد بود. بدین‌روی، برخی صلح را امری تمدنی در مقابل امر طبیعی می‌دانند.

جمع‌بندی و نتیجه

دین نقش مهمی در ایجاد زندگی آرام و همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا می‌کند. از میان ادیان، دین اسلام با شعار «سلام» مدعی برداشتن غل و زنجیر از زندگی بشریت است. (اعراف: ۱۵۸) در قرآن آموزه‌هایی وجود دارد که می‌توان بر اساس آنها، به اضافه تجربه زیست انسان در طول تاریخ، تفسیرهای عقلانی و نیازهای امروزین بشر و عرف حاکم بر جامعه و جهان، راهبرد صلح پایدار را تضمین کرد. پژوهش حاضر با استناد به چهار مؤلفه ایمان به «توحید سیاسی» ساختارهای تبعیض‌آمیز بر ساخته انسان‌ها در طول تاریخ را، که در قالب قبیله‌گرایی یا ساختار نظام استبدادی مخالف حقوق اساسی انسان است، نفی کرد و با طرح مسئله مهم عدالت، اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌های ستیز در جامعه و نظام بین‌الملل را اصلاح می‌کند. دولت در این راهبرد نقش داور بین مردم را دارد و با هدایت مردم به سمت آگاهی‌های اجتماعی و توانمندسازی، انسان را با حقوق خود آشنا می‌سازد و مردم را مطالبه‌گر حقوق و کرامت انسانی خود می‌کند. انسان در چنین جامعه‌ای با استفاده از استعدادهای خدادادی و با بهره‌مندی از منابع و امکانات موجود، با تعامل سازنده با دیگران به ثبات سیاسی و اجتماعی و صلح و امنیت پایدار دست پیدا می‌کند.

منابع

قرآن کریم

۱. اسلامی، روح‌الله و وحید بهرامی عین‌القاضی (پاییز ۱۳۹۳)، «پدیدارشناسی تکنیک‌های امام علی علیه السلام برای صلح: جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۳.
۲. افتخاری، اصغر و حسین محمدی سیرت (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «صلح و سلم در قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، ش ۲.
۳. الهامی، داود (شهریور ماه ۱۳۶۷)، «صلح امام حسن علیه السلام»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۲۸، ش ۵.
۴. پوراحمدی، حسین و عبدالله مرادی (۱۳۹۷)، «مبانی اسلامی صلح پایدار در مقایسه تطبیقی با نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل»، نشریه پژوهش‌نامه حقوق بشری، ش ۱۲.
۵. حنفی، حسن (۱۳۹۸)، سنت و نوسازی (ما و نسبت گذشته)، ترجمه حسام‌الدین خاکپور، تهران، نگاه معاصر.
۶. خان محمدی، کریم (۱۳۹۹)، قرآن و عقلانیت ارتباطی، تهران، نشر نی.
۷. خان محمدی، یوسف (بهار ۱۳۹۶)، «روش‌شناسی تفسیر سیاسی قرآن»، فصلنامه علمی و پژوهشی شیعه‌شناسی، سال پانزدهم، ش ۵۷.
۸. دیهیمی، خشایار (۱۳۹۷)، دانشنامه جنگ و صلح، تهران، صدای معاصر.
۹. سباعی، مصطفی (۱۴۲۲)، نظام السلم و الحرب فی الاسلام، ط. الثالثه، ریاض، دار الوراق للنشر و التوزیع.
۱۰. سید قطب (۱۳۵۵)، زیربنای صلح جهانی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و زین‌العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. شریف رضی، محمد (۱۳۹۸)، نهج البلاغه، مترجم سید جعفر شهیدی، علمی و فرهنگی.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۷)، ترجمان وحی، قم، شکرانه.
۱۳. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، جهاد در اسلام، تهران، نشر نی.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۳۶۹)، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۱۵. صفوی، سیدسلیمان و همکاران (۱۳۹۶)، دانشنامه معاصر قرآن کریم، آکادمی مطالعات ایرانی لندن، تهران، سلمان - آزاده.
۱۶. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از وحی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۰. فخاری، حسین و ناصر برخوردار (زمستان ۱۳۹۲)، بررسی استراتژی پیامبر ﷺ در صلح حدیبیه بر اساس تحلیل سوات؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، ش ۲۳.
۲۱. فضل‌الرحمان (۱۳۹۷)، اسلام و مدرنیته: تحول یک سنت فکری، ترجمه زهرا ایران‌بان، تهران، کرگدن.
۲۲. فیالا، اندرو (۱۳۹۵)، دانشنامه فلسفه استنفورد، صلح‌گرایی، ترجمه مریم هاشمیان، تهران، ققنوس.
۲۳. کالینز، الن (۱۳۹۸)، مطالعات امنیت معاصر، ترجمه علیرضا نمودی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۲۵. لکزایی، نجف (۱۳۹۸)، امنیت متعالیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۶. لیمن، اولیور (۱۳۹۱)، دانشنامه قرآن کریم، ترجمه محمدحسین وفار، تهران، اطلاعات.
۲۷. وصفی، محمدرضا (۱۳۸۷)، نو معتزلیان، تهران، نگاه معاصر.
۲۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، گزیده حکمت نامه‌های پیامبر اعظم ﷺ، تهران، دارالحديث.
۲۹. مروّتی، سهراب و حسین رستمی (بهار ۱۳۹۲)، «بررسی تاریخی ماه‌های حرام در قرآن و حدیث»، فصلنامه تاریخ‌پژوهی، ش ۵۴.

۳۰. مصطفوی، حسن (۱۴۱۷)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، طهران، مؤسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مک‌اولیف، جین دمن (۱۳۹۲)، *دائرة المعارف قرآن*، ترجمه حسین خندق‌آبادی و دیگران، تهران، حکمت.
۳۳. موسوی‌نیا، سیدرضا و سیدجواد طاهایی (بهار ۱۳۹۷)، «رویکرد کلاسیک به نقد نظریه مدرن صلح: رهیافتی برای دولت‌های ایرانی»، فصلنامه *دولت‌پژوهی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۳.
۳۴. مولودی، فاطمه و دیگران (بهار ۱۳۹۶)، «فرایند شکل‌گیری نظام عمل صالح از منظر قرآن و روایات، آموزه‌های قرآنی»، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲۳.
35. Saeed, Abdullah, (2006), *Interpreting the Quran Towards a contemporary approach*, Melbourne, Routledge.